

نگاه هم‌میهن

آتش جنگ در خاور میانه و سکوت چینی‌ها



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

در حالی که آتش جنگ در خاور میانه به‌طور فزاینده‌ای زبانه می‌کشد، از چینی‌ها صدایی بر نمی‌خیزد. در سال‌های اخیر از چین به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین‌الملل نام برده شده است، اما آنها از صحنه بحرانی که مهمترین منطقه نفت‌خیز جهان را در بر گرفته است، به کلی غایب‌اند. جمهوری خلق چین با عموم کشورهای خاور میانه روابط عادی و یا نزدیکی دارد، به همین دلیل تصور می‌شد که آنان به ابتکار خود یا به همراه آمریکا، طرحی را برای کنترل و مهار جنگ در خاور میانه ارائه کنند. در زمستان ۱۴۰۱ پس از یک دوره تشنج شدید در روابط جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی که به قطع رابطه دو کشور انجامید، چینی‌ها با پیش‌گذاشتن دو زمینه‌عادی‌سازی روابط تهران و ریاض را تسهیل کردند؛ پیمانی که بین ایران و عربستان در آن تاریخ با میانجی‌گری چینی‌ها به امضا رسید، تشنج در روابط جمهوری اسلامی با کشورهای عرب حوزه جنوبی خلیج فارس را به شدت کاهش داد و به‌خصوص موجب پایان جنگ بین حوثی‌های یمن و سعودی‌ها شد. پس از امضای این پیمان انتظار می‌رفت که دولت چین بنا به نفوذی که بین بازیگران منطقه‌ای پیدا کرده است، ابتکار خود را ادامه دهد و به حل دیگر بحران‌های فعال یا خاموش منطقه کمک کند. چینی‌ها اما به‌طور علنی گام دیگری در این جهت برنداشتند و خود را از معرکه کنار کشیدند.

چه چیزی باعث عدم تحرک دولت چین در این زمینه شده است؟ آیا برخلاف تصور برخی از صاحب‌نظران، چینی‌ها هنوز از قدرت سیاسی و دیپلماتیک لازم برای تأثیرگذاری بر بحران‌های بین‌المللی بر خوردار نیستند و همچنان حوزه منافع اصلی خود را مسئله تایلوان و موضوعات مربوط به دریای چین جنوبی محدود می‌دانند و یا اینکه ورود عمقی به مناقشات خاور میانه چنان پردردسر و گرفتارکننده است که چینی‌ها عطای آن را به لقایش بخشیده‌اند؟

چین به لحاظ توان اقتصادی و نظامی، یکی از ارکان قدرت نظام بین‌الملل به‌شمار می‌رود، اما توان سیاسی و دیپلماتیک آن هنوز به اندازه‌ای نیست که بخواهد در بحران‌های دور از قلمرو خود ورود جدی داشته باشد. با این همه، خاور میانه در حوزه علائق چینی‌هاست و آنها به دلیل تأمین بخش بزرگی از انرژی مورد نیاز خود از این منطقه و روابط پرسود اقتصادی با عموم کشورهای آن، از به هم خوردن ثابت در این ناحیه از جهان نگرانند و در صورت بروز بی‌ثباتی گسترده به شدت از آن متضرر می‌شوند.

از این‌رو، انگیزه چینی‌ها از انفعال در برابر بحران جاری، عدم علاقه و یا نداشتن منافع مهم در این بخش از جهان نیست. به احتمال زیاد آنها ریشه‌های مناقشه در خاور میانه را چنان پایدار و در هم پیچیده و درگیر شدن با آن را چنان سخت و دشوار یافته‌اند که دامن خود را از آتش آن بر چیده‌اند و عملاً زمین را برای آمریکا و برخی متحدان اروپایی و منطقه‌ای آن خالی گذاشته‌اند.

در واقع چندان روشن نیست که آیا چینی‌ها پس از موفقیت در آستنی دادن ایران و کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس اصولاً بخت خود را برای کمک به حل بخش‌های حساس‌تر بحران خاور میانه آزموده‌اند یا اینکه از اساس، شناسی برای خود در این باره قائل نبوده‌اند. در ظاهر امر منطقی به نظر نمی‌رسد که چینی‌ها هیچ تلاشی در این زمینه نکرده باشند. به احتمال بیشتر، آنها شانس خود را در این مورد هم آزموده‌اند اما به در بسته برخورد کرده‌اند. به عبارت روشن‌تر، هر جا که پای اسرائیل در میان باشد، دولت جمهوری اسلامی به دلیل حساسیت‌های ایدئولوژیک و فشار پایگاه حامی خود، به دیپلماسی روی خوش نشان نمی‌دهد. از این رو این فرض که چینی‌ها در این باره هم طرح بحثی کرده باشند و با واکنش منفی طرف ایرانی روبه‌رو شده باشند، چندان غیر منطقی به نظر نمی‌رسد.

شاید از سردی رابطه پکن و تهران در یک سال گذشته بی‌ارتباط به همین موضوع نباشد. روشن است که چینی‌ها نوع نظامی‌رادر خاور میانه به سود خود می‌بینند که مسئله فلسطین بر مبنای فرمول دوکسوری به نقطه پایان خود برسد و روابط اسرائیل و کشورهای عرب منطقه حالت عادی به خود گیرد. سیاست جمهوری اسلامی اما همواره پرهیز از هر نوع نزدیک شدن به این فرمول بوده است. در حقیقت، چینی‌ها منافع خود را در همراه کردن جمهوری اسلامی با این فرمول می‌دانند، حال آنکه جمهوری اسلامی، رابطه نزدیک با جمهوری خلق چین را در چارچوب رویایی با آمریکا و به تبع آن، پیشبرد سیاست خاص خود در برابر اسرائیل می‌خواهد. به عبارت دیگر، هر کدام از دو کشور، انتظارشان از دیگری بازی در زمین خود است. به نظر می‌رسد چینی‌ها این انتظار را دون شان خود می‌بینند و برای همین از ماجرا کناره گرفته‌اند تا منطبق قدرت آن را به پیش برند.

بدین ترتیب، به‌رغم شعله‌ور شدن آتش جنگ در خاور میانه، چینی‌ها تلاش خود را بر زرمایش نظامی در نزدیک آب‌های تایلوان متمرکز کرده‌اند و وانگ‌ئی، وزیر خارجه آن کشور در گفت‌وگوی تلفنی ایزرائیل کاتز همتای اسرائیلی‌اش که به قصد اطلاع از موضع چین درباره جنگ لبنان و پاسخ به حمله موشکی ایران صورت گرفته است، تنها به تأکید بر لزوم پایان فاجعه انسانی در غزه و اجتناب از چرخه خشونت در منطقه اکتفا کرده است.



سخنگوی دولت: برای حل مشکلات اینترنت و فیلترینگ، باید صبوری کنید!

نه!
یه خورده دیگه
صبوری کنید
حل می‌شه!!

بخشید!
این فیلترینگ
حل نشد!!



مستی و نیستی

درباره مرگ‌های دلخراش ناشی از مسمومیت‌های الکلی



آرش ملکی

پژوهشگر دکتری حقوق بین‌الملل

در میان اخبار پر توتاب هفته گذشته، خبر مرگ و حال وخیم تعدادی جوان گیلانی پس از نوشیدن الکل تقلبی سبب شد تا موضوع مسمومیت الکلی بار دیگر به کانون توجه راه یابد. مدت زیادی هم از ماجرای مسمومیت الکلی چند پزشک متخصص و مرگ تأسف‌بار یکی از آنها در شیراز نمی‌گذرد. در نتیجه با موضوعی طرفیم که در سطح افکار عمومی نسبت به چرایی وقوع و ضرورت پیشگیری از آن حساسیت ایجاد شده. نوشیدنی‌های الکلی در کنار چای و قهوه از محبوب‌ترین نوع نوشیدنی‌ها در جهان محسوب می‌شوند. مصرف الکل منجر به ایجاد سرخوشی، آرامش و کنترل استرس و اضطراب در شخص می‌شود. گفته شده که در مقیاس جهانی، هر شخص بالای پانزده سال به‌طور متوسط در هر سال حدود پنج لیتر نوشیدنی الکلی مصرف می‌کند. از این رو، گردش مالی تولید و صادرات مشروبات الکلی در جهان به رقمی معادل شش میلیارد دلار می‌رسد. این سود سرشار ممکن است سبب شود در کشورهای که الکل مشمول قید ممنوعیت است و نظارتی بر تولید محصولات الکلی خوراکی وجود ندارد، متانول (الکل چوب) به جای اتانول (الکل میوه) به فروش رسیده و مصرف شود. اتانول ماده اصلی نوشیدنی‌های الکلی است و آثار منفی بر سلامت انسان دارد اما متانول یک ترکیب شیمیایی است که مصرف آن در انسان به نارسایی کبدی و کلیوی، اختلال بینایی و مشکلات قلبی و گردش خون منجر می‌شود. ایران - به همراه دوازده کشور دیگر - در قبال مشروبات الکلی قائل به ممنوعیت مطلق است و مسمومیت‌های الکلی چند وقت اخیر به دلیل مصرف ناخواسته متانول رخ داده. در ایران تولید، توزیع و مصرف الکل ذیل مواد ۲۶۴، ۲۶۵ و ۲۶۶ از قانون مجازات اسلامی و مواد ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳ و ۷۰۴ در قانون تعزیرات جرم‌انگاری شده. خاستگاه این ممنوعیت نص صریح قرآن کریم در سوره‌های مبارکه نساء (آیه ۲۴)، بقره (آیه ۲۱۹) و مانند آیه ۹۱ است. لیکن آمارهای متفاوتی از مصرف پنهانی الکل

در ایران در چارچوب گزارش‌های سازمان جهانی سلامت و بعضی پژوهش‌های مستقل قابل مشاهده است که به واسطه غیررسمی بودن نمی‌توان آنها را مورد اعتبار سنجی قرار داد. با این وجود و فارغ از آمار، نفسی مصرف الکل در کشور قابل انکار نیست و به اصطلاح اگر مشتری باشد، فروشنده هم پیدا خواهد شد.

به گزارش سازمان جهانی سلامت، سالانه بیش از دو میلیون انسان در جهان جان خود را به دلیل مصرف الکل از دست می‌دهند. البته این آمار به مصرف نوشیدنی‌های حاوی اتانول مرتبط است. سابقه مرگ‌های ناشی از مصرف متانول بسیار اندک هستند. متأسفانه، تعدادی از این موارد اندک به ایران اختصاص یافته. اکنون به منظور پیشگیری از وقوع حوادث مشابه چه تدبیری می‌توان اندیشید؟ قانونی ساختن مشروبات الکلی به واسطه حرمت شرعی ممکن نیست. از سوی دیگر، راهکار پلیسی هم به تنهایی جوابگو نیست و نمی‌شود نیمی از جمعیت را گماشت تا بر نیمه‌ی دیگر نظارت و اعمال کنترل نمایند. تشدید مجازات و تدبیر قضایی راهم نمی‌توانیم راه حل مطلوب بدانیم زیرا در مورد مواد مخدر به آمار صفر منتهی نشده. تنها راه‌حلی که می‌تواند مانع مسمومیت الکلی شود آموزش و ایجاد آگاهی در شهروندان نسبت به مضرات سوء مصرف الکل است. حق بر سلامتی یک حق بشری است که دولت ایران طبق بند ۱ از ماده ۱۲ ضمیمه قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۳۵۴/۰۲/۱۷) آن را برای همه شهروندان خود به رسمیت می‌شناسد. بند ۲ از اصل سوم قانون اساسی هم دولت را به بالا بردن سطح آگاهی عمومی موظف ساخته که این مهم را می‌توان به موضوع مهمی چون آگاهی از مضرات مصرف الکل - چه اتانول و چه متانول - قابل تسری دانست. در نتیجه، استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای و ایجاد آگاهی در قبال ضرورت عدم مصرف الکل قطعاً در تأمین سلامت عمومی و رخ ندادن وقایع مشابه مؤثر خواهد بود. هیچ دولتی نمی‌تواند همه شهروندان را در تمام شئون کنترل نماید. چه بهتر که مواردی چنین به عقل و آگاهی شهروندان واگذار شود. زیرا هر انسانی به‌طور غریزی نسبت به جان شریبن حساس است و اگر احتمال بدهد با مصرف الکی که در زیرزمین تولید شده ممکن است به آغوش مرگ برود قطعاً در تصمیم خود تجدیدنظر خواهد کرد.

کردند که این حمله بزرگ‌تر از حمله‌ای بود که سیدحسن نصرالله دبیرکل پیشین حزب‌الله را هدف قرار داد. زمان زیادی طول نکشید که گمانه‌زنی‌ها درباره هدف یا اهداف این عملیات آغاز شد. با توجه به اینکه اسرائیل در حملات به مقرهای حزب‌الله در ضاحیه رهبران این جنبش را هدف قرار می‌داد، به سرعت اخباری مبنی بر هدف قرار گرفتن سیدهاشم صفی‌الدین از اعضای اصلی کادر رهبری و جانبین احتمالی نصرالله در رسانه‌های عبری و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. نام سردار قالی نیز در همان زمان شنیده شد. شایعه‌ای به گوش رسید که حاکی از زخمی یا شهید شدن قالی در این حمله بود. در این اخبار مطرح شده بود که این حمله به یک مقر زیرزمینی متعلق به حزب‌الله در منطقه شیعه‌نشین بیروت صورت گرفته و هدف آن نیز ترور افراد حاضر در یک جلسه بوده است. رسانه‌های داخلی و مقامات رسمی کشور در آن زمان واکنشی به این مسئله نشان ندادند و همین سکوت، بر باور پذیر شدن شایعه‌ها تأثیر می‌گذاشت. این حمله یک روز قبل از برگزاری نماز جمعه تهران و سفر سیدعباس عراقچی به بیروت صورت گرفت و غیبت قالی در این مراسم، به شایعات دامن زد. فرمانده نیروی قدس سپاه در جریان اهدای نشان فتح به سردار حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز حضور نداشت.

سکوت رسانه‌های داخلی

هم‌زمان با پخش پر قدرت شایعه‌ها در افکار عمومی، سکوت رسانه‌های داخلی نیز به این فضا دامن می‌زد. در حالی که این اخبار نادرست هر روز در رسانه‌های خارج از کشور و شبکه‌های اجتماعی به‌روز می‌شد، در داخل کشور هیچ مرجع خبری نسبت به این مسئله واکنش نشان نمی‌داد. واکنش‌ها از سوی مقامات نیز در این حدود بود که سردار قالی زنده هستند و امیدواریم که مقامات مربوط به این مسئله واکنش نشان دهند. چند روز قبل اسماعیل کوثری، نماینده مجلس که از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران نیز بود، در واکنش به اخبار مربوط به بازجویی گفت: «سردار قالی به لطف خدا در سلامت کامل هستند و کسانی که می‌گویند فرمانده نیروی قدس سپاه در بازجویی هستند، غلط کردند.»

پیش از آن، سردار جبجاری مشاور مقام رهبری در حاشیه یک همایش، در پاسخ به خبرنگاران گفت: «سردار قالی فرمانده سپاه قدس انقلاب اسلامی در سلامت است و ان‌شاء‌الله در روزهای آینده از حضرت آقا نشان فتح دریافت می‌کند.» ایرج مسجدی معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس نیز در واکنش به درخواست‌هایی که برای صدور یک بیانیه و موضع‌گیری رسمی در این خصوص مطرح می‌شد، در یک سخنرانی اعلام کرد: «بسیاری از ما می‌پرسند که سردار قالی چه شد؟ ایشان در صحت و سلامت است و مشغول فعالیت هستند. بر خی می‌گویند که بیانیه بدهید. چراییانیه؟ بیاز نیست چنین اقدامی انجام شود.»

حضور مقابل دوربین

پیکر شهید نیلوفروشان، به دنبال انتقال از بیروت به عراق و طواف در کربلا و نجف، به تهران رسید. اولین حضور سردار قالی پس از دو هفته بی خبری کامل، در مراسم استقبال از پیکر شهید نیلوفروشان بود. تصویر حضور فرمانده نیروی قدس سپاه در این مراسم که در فرودگاه مهرآباد برگزار شد، ابتدای آنتن شبکه خبر رفت. قالی پس از آن نیز در مراسم بزرگداشت این شهید که در میدان امام حسین (ع) با حضور سران دو قوه مجریه و قضائیه برگزار شد، حضور پیدا کرد.

شرکت کردن قالی در این دو مراسم و پیش‌گسترده تصاویر آن، به بخش زیادی از شایعه‌هایی که طی دو هفته گذشته میان افکار عمومی جا گرفته بود پایان داد. در اولین مرحله، فیلم‌ها و عکس‌هایی که از این مراسم بیرون آمد، نشان می‌داد که فرمانده نیروی قدس سپاه سالم بوده و آسیبی ندیده است. این حضور نقطه پایانی بر شایعه‌ها بود.

فعالان اقتصادی گزینه‌هایی را پیشنهاد می‌دهند. این گزینه‌ها بررسی می‌شود و در نهایت به خروجی می‌رسد.»

وی افزود: «اما در مورد انتخاب وزرا هم این نگرانی درست را داشتیم. به نظر من این نگرانی ناشی از دغدغه‌مندی مردم است و باید به درستی به آن پاسخ داد. باید افراد را از روی عملکردشان ارزیابی کنیم. به همین دلیل، برای ارزیابی عملکرد استانداران هنوز کمی زود است. علاوه بر این، اگر در این دو استان انتصاب‌ها آن‌طور که بعضی از افراد فکر می‌کردند نبود، در تعداد زیادی از استان‌ها افرادی انتصاب شدند که مورد استقبال قرار گرفتند. اعتماد کنیم به شاخص‌هایی که وزارت معترم کشور مشخص می‌کند و به راهی که هیئت وزیران به استانداران می‌دهد. اگر هم موردی بود، روی عملکرد افراد قضاوت کنیم. با یک تکه برش خورده از یک فیلم [اشاره به فیلمی از سخنرانی استاندار بزد که حسن روحانی را مورد انتقاد داده بود و در روزهای گذشته به‌طور گسترده در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد] نمی‌توانیم آدم‌ها را قضاوت کنیم.»

موضوعات فرهنگی با «زور و باید» عملی نمی‌شود

سخنگوی دولت در پاسخ به سوالی درباره ابلاغ قانون حجاب و عفاف گفت: «رئیس‌جمهور در مورد عفاف و حجاب تأکید کرده است که نمی‌توان موضوعات فرهنگی را با زور و اجبار جا انداخت. زیرا این موضوعات به‌طور مرسوم می‌شوند و باید با رویکردهای مناسب حل شوند که قوانین باید به گونه‌ای طراحی شوند که منافع مردم و مصالح نظام را نظر بگیرند و دارای پشتوانه اجرایی باشند. همچنین، تأکید دارد که کار فرهنگی باید با رویکردهای مثبت و غیرسلبی انجام شود تا مؤثر واقع گردد. در نهایت، لویه دنیال راهکارهای دقیق و اجرایی است که مصالح ملی و نظام را در نظر داشته باشد.»

فیلترینگ به اهداف خود نرسید

سخنگوی دولت تأکید کرد: «موضع دولت راجع به فیلترینگ همان موضعی است که رئیس‌جمهور قبل از انتخابات اخذ کرد؛ موضع کاملاً شفاف است و فیلترینگ مضرات زیادی را ایجاد کرده است. این با نکته‌ای که مقام رهبری درباره حکمرانی فضای مجازی فرمودند، همخوانی ندارد. حکمرانی لزوماً به معنای فیلترینگ نیست، در چارچوب مصالح ملی و نظام، موضوع در حال پیگیری است و مضرات فیلترینگ شامل ایجاد حفره‌های امنیتی و دسترسی افشار جامعه از جمله دانش‌آموزان و کودکان به محتوای نامناسب است.»

مهاجرانی گفت: «در چارچوب کار کارشناسانه، مصالح ملی و نظام، موضوع در حال پیگیری است و فراموش نکنیم که اعداد و ارقام نشان می‌دهد که فیلترینگ نتوانسته به اهداف خود برسد.»